

بخش یکم

مرزپرگهر افشا می کند:

برگزیده پرونده ی قتل های حکومتی



النجاة فی الصدق



					
پیروز دوانی	شریف	مختاری	پوینده	پروانه فروهر	داریوش فروهر

چو ایران نباشد تن من مباد

## قتل های حکومتی در جمهوری اسلامی

حزب مرز پرگهر با انتشار بخشی از اعترافات متهمین قتل های حکومتی (قتل های زنجیره ای) پاییز 1377 خورشیدی امیدوار است که ضمن گرامی داشت خاطره ی رهبران شجاع نهضت ملی ایران یعنی داریوش فروهر و پروانه اسکندری و سایر قربانیان قتل های معروف به "زنجیره ای"، توجه نسل جوان میهن را به ماهیت و عملکرد رژیم ضد مردمی و ضد ایرانی حاکم بر کشورمان جلب نماید. حزب مرزپرگهر همچنین از نسل پر شور کنونی دعوت می کند که با دور شدن از تفکرات نسل گذشته ای که جنایات رژیم را دست آویزی برای از میان رفتن رقبای عقیدتی و سیاسی خود فرض می کرده است، سنت دفاع جانانه از تمامی منتقدین و مخالفان نظام و تمامی قربانیان بی دفاع آن را دوباره زنده نماید و بر واقعیت کنونی تفرقه، گروه گرایی و تعصب فرقه ای نقطه ی پایانی گذارد.

از آغاز استقرار نظام جمهوری اسلامی در میهن ما، ترور مخالفین، مغایرین، منتقدین و حتی رقبای "خودی"، بخش جدا نشدنی طبیعت و برنامه ی حکومتی نظام بوده است. قتل های معروف به "زنجیره ای" در پاییز 1377 خورشیدی تنها جزیی از جنایات تروریستی برنامه ریزی شده نظام در یکی از دوره های حکومت ظالمانه ی آن بوده است. اینها علاوه بر قتل عام ها و کشتارهای بزرگ مانند کشتار عظیم تابستان سپاه 1367، کشتار امرا و افسران میهن پرست ارتش، عملیات سرکوب هم میهنان کرد، بلوچ و غیره و اعدام های علنی و بی شمار سالهای 57، 60 و 61 در سراسر کشور، عامل ایجاد ثبات ادواری رژیم و شیوه ی ایجاد وحشت در میان ایرانیان بوده است. رژیم این جنایات را گاه به گاه حتی قبل از وقوع "جرم" و به منظور پیشگیری از رشد یک جریان داده است. ترورهای رقبای داخلی حکومت، وابستگان رژیم پیشین، پیروان ادیان بهایی، یهودی، زرتشتی و مسیحی و مذاهب اسلامی اهل سنت، صوفیان، درویش، شافعی و سایرین، قتل فعالان سازمانهای سیاسی اعم از مجاهدین خلق، کمونیست های مخالف رژیم، میهن پرستان و ملیون، ترور سران و رهبران نهضت های قومی و عشایری و حتی گسترش وسیع عملیات تروریستی به منطقه و نقاط دیگر جهان، همه و همه ضمن روشن کردن ماهیت انحصارگرا، تحمل ناپذیر و بی رحم نظام موجود، گویای انگیزه ها و برنامه ریزی دراز مدت این نظام در سطح داخلی و خارجی است. به کارگیری عملیات ترور به عنوان جزیی از سیستم "قتل درمانی" همراه با مهارت جامعه شناسانه ی عاملین ضد ایرانی و ضد ملی رژیم، همواره آن چنان صورت پذیرفته است که گویا رژیم تنها با عده ای خاص، که نظر گاهی مشخص با عملکرد ویژه ای دارند مسئله دارد و او را با بقیه کاری نیست. این سیستم فریبکارانه در هر مرحله ی تهاجم رژیم همراه با تحمیق مردم و مخالفین بوده تا هر کس و هر

گروه تا زمانی که نوبت خودش فرا نرسیده است، نه تنها احساس خطر نکند بلکه احیاناً – و با بسی تأسف – از میان رفتن سایرین را یا "بر حق" جلوه دهد (مانند برخورد چندین ساله اصلاح طلبان به اعدام و سرکوب مخالفین نظام) یا به مثابه از میان رفتن رقبای سیاسی خود تلقی نماید (همانند تلقی بیمار گونه بسیاری از نیروهای سیاسی در اوایل انقلاب از ماجرای ضربه خوردن گروه های دیگر از رژیم).



نسل جوان ما باید بداند که در سی سال گذشته، هیچ زمانی نبوده است که رژیم در آن مدت مشغول به ترور و سرکوب بخشی از هم میهنان ما نبوده باشد و با فریبکاری و القای امنیت کاذب به بخشهای دیگر ضربه زدن به آنان را در زمانی دیگر تدارک ندیده باشد. نیروهای سیاسی ما نیز باید بدانند که شکنجه گران و قاتلین امروزی دیگران، همان کسانی بوده و هستند که فردا شکنجه گران و قاتلین خود ما خواهند بود. این احکام را می توان با مطالعه ی پرونده ی متهمین قتل ها به روشنی دریافت اما آیا درک عمیق آن نیز برای ما عملی خواهد بود؟

مطالعه درد آور پرونده های اعترافات متهمان قتل های حکومتی سال 77 علاوه بر نشان دادن میزان شقاوت، عادی بودن شقاوت در میان عوامل نظام و حد افراط و انحراف باورهای مذهبی در میان آنان روشنگر ماهیت توطئه گر پیگیر و هدفمند نظام است. این مدارک روشن می کنند که به کار گیری تیغ و گلوله و طناب دار نظام، نه در عکس العمل به مسلح بودن مخالفین، نه در عکس العمل به برانداز بودن اندیشه آنان و نه حتی در برابر میزان موثر بودن بالفعل تلاشهای کوشندگان سیاسی و اجتماعی، بلکه تنها برنامه و عملی است که به نحوی مستمر و با دیدگاهی دراز مدت و به منظور ایجاد وحشت در برابر مخالفین و منتقدین قرار می گیرد. اعترافات متعدد متهمین به الزام تعدادی قتل در پیش بینی برنامه های سالانه وزارت اطلاعات، تاکید بر این بینش بیرحمانه و خونسردانه در حساس ترین ارگان های نظام است. هر گاه مصلحت زمان و توان سیاسی و عملیاتی آن موجود باشد، هرگاه حربه های سانسور و زندان کم اثر گردد، رهبران و عوامل نظام سینه ها را می درند و گردن های سرافراز را می شکنند.

نگاهی به لیست هزاران فرزند مفقود یا ترور شده این مرزپرگهر، به مرگ ها و قتل های مشکوک سی سال اخیر، روشنگر روحیه تهاجمی و عزم تزلزل ناپذیر این نظام بر نابودی مخالفین و مغایرین است. در این مسیر خونبار، کسی در امن و امان نیست و حتی در میانه صلح و مذاکره، همانند بسیاری که به رژیم اعتماد نشان داده و سپر از دست فکنده بودند، قابل به رگبار بستن است و همچنان واجب القتل و مهدورالدم خواهد بود.

آنچه در این میانه مایه امید و قابل درس آموزی است، ضعف آشکار رژیم در برابر آگاهی عمومی، به خطر افتادن آبروی ساختگی و شکننده نظام در میان مردم و هوشیاری مبارزین و کوشندگان است. پرونده قتل ها به روشنی اشاره به مواردی دارند که هرکدام از عوامل نامبرده، یا موجب توقف توطئه ها یا سبب تأخیر و تغییر برنامه های قتل و سرکوب شده است ... و این نیز از نکات حیاتی بر گرفته شده از تجربه قتل های پاییز 1377 خورشیدی است.

نزدیکان و خانواده های قربانیان نظام، در این میان بزرگترین مسئولیت را در راستای افشای جنایات و پخش و نشر وقایع یا مدارکی مربوط به قتل ها را بردوش می کشند. عزیزان داغدار باید بدانند که افشای هر مورد از جنایات در عرصه داخلی و جهانی، قادر به پیشگیری از جنایتی مشابه خواهد بود. هم میهنان خشمگین باید بدانند که در شرایط کنونی بزرگترین انتقام همانا افشای جنایات نظام و اهدای شانس بیشتری برای زندگی و موفقیت به سایر مبارزان و کوشندگان است، و بالاخره مبارزان و کوشندگان سیاسی و

اجتماعی باید بدانند که صرف نظر از موارد خاص یا دوران های کوتاه، هیچ دلیل و مصلحتی نباید مانع از نشر و انتشار عمومی اسناد جنایات رژیم گردد.

حزب مرزپرگهر از کلیه ی هم میهنانی که اسناد یا تجربیات قابل توجهی از جنایات رژیم یا مظلومیت این ملت در بند در اختیار دارند تقاضا می کند که یا رأساً یا از طریق مورد اعتماد خود، از جمله از کانال مرزپرگهر به انتشار آن در اسرع وقت اقدام نمایند.

مرگ بر جمهوری اسلامی

پاینده ایران

حزب مرز پرگهر

کمیسیون تحقیقات و اسناد

زمستان 1387 خورشیدی

نقل قول های مطلعین پرونده های قتل های حکومتی

## عبدالکریم لاهیجی در باره ی قتل های حکومتی:



1- این جنایات هول انگیز و رعب آور نموده‌های دیگری از طرح "قتل درماني" بودند که در اجرای آن طی یک دهه، دهها تن از دگراندیشان، نویسندگان، محققان و فعالان سیاسی مخالف، در داخل ایران [دکتر کاظم سامی، احمد میرعلایی، سعیدی سیرجانی، احمد تفضلی، غفار حسینی، ابراهیم زال زاده ...] یا در خارج از ایران [عبدالرحمن قاسملو، شاپور بختیار، عبدالرحمن برومند، صادق شرفکندي ...] از پای درآمدند.

....

ساختار وزارت اطلاعات هم از بدو تاسیس به گونه ای نهاده شد که همواره یک حاکم شرع، به عنوان وزیر، بر آن حکم راند. فلاحيان سعید امامی را به عنوان معاون امنیتی وزارت اطلاعات برگزید و از شواهد و قرائن چنین برمی آید که طرح "قتل درماني" ساخته و پرداخته او بود. ولی با توجه به ماهیت ایدئولوژیک - مذهبی جمهوری اسلامی ایران و ساختار و سلسله مراتب وزارت اطلاعات، هیچ یک از آن جنایات نه تنها بدون وجود حکم و مجوز شرعی، صادره از سوی وزیر اطلاعات [حاکم شرع]، یا دیگر حکام شرع مجاز، بلکه بدون اذن سکاتداران سیاست امنیت داخلی و خارجی کشور قابل تحقق نبوده اند.

### کالبد شکافی قتل های سیاسی- عبدالکریم لاهیجی - سی آبان 1384

2- چهره هایی نظیر مصطفی کاظمی [موسوی]، مهرداد علیخانی، خسرو براتی .... برای همه کسانی که در آن سال ها با وزارت اطلاعات سر و کار داشتند و در صدر آنان نویسندگان، روزنامه نگاران، فعالان سیاسی، شناخته شده بودند. ماجراهایی از نوع طرح به درّه افکندن اتوبوس حامل 21 تن از نویسندگان

توسط تیمی به سرپرستی خسرو براتی [مرداد 1375] یکی از نمونه های برنامه "قتل درمانی" بود پس از این ماجرا و پیش از آن که (مسافران) را به تهران بازگردانند در پاسگاه ژاندارمری نزدیک محل حادثه، به آنان گفته بودند که "درماجراي سعیدی سیرجانی برایتان پیغام فرستادیم، نشنیدید.

### کالبد شکافی قتل های سیاسی- عبدالکریم لاهیجی - سی آبان 1384

3- از روز اول به دوست و همکارم خانم عبادی و همین طور عزیزانم آرش و پرستو فروهر گفتم که برای خودشان توهم ایجاد نکنند ، جمهوری اسلامی حکومتی نیست که عاملان این قتل ها را به مجازات واقعی برساند و دیدیم که مناسفانه حق با من بود . به تعدادی مامور چند سالی حبس دادند و هرگز صادر کنندگان احکام قتل حتی شناسائی نشدند ، چه رسد به اینکه مورد تعقیب قرار بگیرند و ما از این رو همچنان در پی اجرای عدالت هستیم تا روزی که شرایط عدالتخواهی در ایران فراهم شود و تا آن روز نباید اجازه داد یاد این جنایات از خاطر مردم پاک بشود

مراسم گرامیداشت قربانیان قتل های زنجیره ای در پاریس از محمدرضا شاهید 03.12.2008 -- صدای آمریکا - عبدالکریم لاهیجی - سی آبان 1384

### شیرین عبادی درباره ی پرونده ها و جنایات رژیم



1- شیرین عبادی به چگونگی پرونده خوانی وکلای مدافع خانواده های قربانیان اشاره کرد و گفت که تنها یک سوم پرونده در اختیار وکلا گذاشته شد و باقی به گفته مسئولان، " در رفت و آمد میان ادارات مختلف گم شد". با اینحال همین مشتی پرونده از خروار نشان داد که عاملان این قتل ها به دستگیری و بازجویی خود اعتراض داشته اند چرا که این قتل ها را بدستور مافوق مرتکب شده بودند و برای آن اضافه کاری دریافت کرده بودند.

برندهٔ جایزهٔ صلح نوبل، بر لزوم تداوم دادخواهی در هر جای جهان که ممکن باشد، تکیه کرد و گفت: "در این راه، همه، بازماندگان قربانیان، وکلای مدافع آنها و عموم مردم باید بهای ضروری را بپردازند"

در محلهٔ سیزدهم پاریس (fiap) روز شنبه، بیست و نهم نوامبر، سالن فیاپ، 2008

2- حرفهای من مستند است به محتویات پرونده و این محتویات توسط خودم و همکارانم خوانده شد. طبق این پرونده و بازجویی های انجام شده از متهمان، باید بگویم قتلها کاملا سیستماتیک بود و به هیچ عنوان ادعای قتل توسط عده ای خودسر قابل قبول نبود، کسانی که قتل کرده بودند، آدمهای دیوانه نبودند که صبح تصمیم بگیرند امروز چه کسی را بکشیم؟ آنها جزو افراد عملیات ویژه و برای این کار آموزش دیده بودند. ولی همین متهمان در زمان بازجویی شان اظهار تعجب می کردند که چرا ما را محاکمه می کنید؟ و سپس خطاب به دادگاه می گفتند توسط ما چهار صد عملیات ویژه انجام شده، اصلا آنها نمی دانستند چرا دارند محاکمه می شوند، چون برای این کار استخدام رسمی شده بودند. قاتل فروهر در بازجویی گفته است که: "بروید فیش حقوقی من را نگاه کنید... آن شب به من اضافه کاری داده اید..."

برگرفته از ویدیو سخنان شیرین عبادی در مراسم دهمین سالگرد قتلهای "زنجیره ای" حکومتی در پاریس 1387.09.10

### پرستو فروهر درباره ی خطای اعتماد به خاتمی و لزوم آگاهی اذهان عمومی به پروندهها



1- پرستو فروهر: آقای خاتمی پشت ما را خالی کردند. آقای خاتمی در زمانی که نیاز بود تا برای کشف حقیقت پایداری نشان دهند، پشت ما را خالی کردند و به معامله های پشت پرده با طرف مقابل پرداختند. آقای خاتمی در روز هفتم پدر و مادر من برایم تسلیم فرستادند و به هر صورت همدردی نشان دادند و در صحبت هایشان می گفتند که این ها جنایاتی ست که اتفاق افتاده و باید پیگیری شوند. این ها مسائلی مثبت اند اما در بازبینی صحیح این پرونده اصلاح طلبان از این موضوع تنها به عنوان سلاحی در مقابل حزب رقیب استفاده کردند. ولی در زمانی که نیاز بود تا برای کشف حقیقت پایداری نشان دهند، پشت ما را خالی کردند. یعنی اصراری که باید برای صالحه بودن دادگاه و افشای مخدوش بودن پرونده



می کردند ، هیچ گاه عملی نشد. در کلام حمایت کردند اما آنجایی که به حمایت عملی نیاز بود، به معامله های پشت پرده با طرف مقابل پرداختند.

شنبه ۲ آذر ۱۳۸۷ - ۲۲ نوامبر ۲۰۰۸ - خبرنامه امیرکبیر

2- امیدی که ما بازماندگان قربانیان داریم این است که این جنایات به عنوان پرونده باز، در اذهان عمومی بماند تا زمانی که ما ابزارهای لازم را برای پیشبرد اهدافمان که دفاع از حقوق دگراندیشان است بیابیم

مراسم گرامیداشت قربانیان قتل های زنجیره ای در پاریس از محمدرضا شاهید 03.12.2008 -- صدای آمریکا - پرستو فروهر - سی آبان 1384

### سیما پوینده درباره ی لزوم افشاگری جنایات



در اینجا باید تاکید کنم که اگر هم ما نتوانیم جمهوری اسلامی را در یک دادگاه بین المللی محکوم کنیم ،مسئله تلاش خواهیم داشت تا حقایق تلخ این قتل ها را برای جهانیان روشن سازیم و به نظر من افشاگری این جنایات حائز اهمیت و در درجه اول قرار دارد.

مراسم گرامیداشت قربانیان قتل های زنجیره ای در پاریس از محمدرضا شاهید 03.12.2008 -- صدای آمریکا - سیما پوینده - سی آبان 1384

## سهراب مختاری درباره ی لزوم رسیدگی مجامع حقوق بشری بین المللی



شما دیدید که سرانجام هم تلاش کردند این پرونده را به یک پرونده معمولی جنائی تقلیل بدهند و بگویند که عناصر خودسری در وزارت اطلاعات این قتل ها را انجام داده اند. در صورتیکه چنین نبوده و ما چون قوه قضائیه را فاقد صلاحیت دیدیم از مجامع حقوق بشری در جهان خواسته ایم به این پرونده رسیدگی کنند

مراسم گرامیداشت قربانیان قتل های زنجیره ای در پاریس از محمدرضا شاهید 03.12.2008 -- صدای آمریکا - سهراب مختاری - سی آبان 1384

### ریشه ی عقیدتی قتل های حکومتی:

توضیح: پرانتز های رنگی از مرزپرگهر می باشد

سید روح الله موسوی خمینی بنیان گذار جمهوری اسلامی:



و اما اشتباهی که ما کردیم و اما اشتباهی که ما کردیم این بود که به طور انقلابی عمل نکردیم و مهلت دادیم به این قشرهای فاسد، و دولت انقلابی و ارتش انقلابی و پاسداران انقلابی، هیچ یک از اینها عمل انقلابی نکردند و انقلابی نبودند. اگر ما از اول که رژیم فاسد را شکستیم و این سد بسیار فاسد را خراب کردیم، به طور انقلابی عمل کرده بودیم، قلم تمام مطبوعات را شکسته بودیم و تمام مجلات فاسد را تعطیل کرده بودیم و روسای آنها را به محاکمه کشیده بودیم و حزب های فاسد را ممنوع اعلام کرده بودیم و روءسای آنها را به سزای خودشان رسانده بودیم و چوبه های دار را در میدان های بزرگ برپا کرده بودیم و مفسدین و فاسدین را درو کرده بودیم، این زحمت ها پیش نمی آمد.... ما نمی ترسیم از اینکه در روزنامه های سابق، در روزنامه های خارج از ایران برای ما چیزی بنویسند، ما نمی خواهیم و جاهت در ایران، در اسلام، در خارج از کشور پیدا بکنیم، ما می خواهیم به امر خدا عمل کنیم و خواهیم کرد.

صحیفه ی نور جلد 8 صفحه ی 251 سال 1358

**حساسیت های امنیتی ضد دمکراتیک موثر در انتخاب هدف های ترور:**

از اعترافات مصطفی کاظمی (موسوی) قائم مقام امنیت در وزارت اطلاعات و مدیر کل طرح و بررسی در تاریخ 79/1/5 در صفحات 1010 تا 1056 پرونده قتل های حکومتی. از قول حجت الاسلام دری نجف آبادی وزیر اطلاعات وقت جمهوری اسلامی در صبح جمعه 77/8/22:

"... این فروهر و زنش کی می گوید دو نفر بیشتر نیستند، اینها هر روز جلسه می گذارند و هر روز دانشجویان را پهلوی ایشان می برند برایشان حرف می زنند، آنها را تحریک می کنند، هر روز مصاحبه با رادیو اسرائیل با رادیو آمریکا و رادیو بی بی سی می کنند، هر روز اطلاعیه می دهند، بیانیه می دهند، هر چه می خواهند می گویند، چرا یک کاری سر اینها نمی آورید؟ یک کاری بکنید.... چرا فروهر را نمی زنید؟ بزنی او را..."

"... پیرامون فعالیت های کانون نویسندگان آقای درّی گفتند مگر اینها چند نفر هستند؟ آقا صادق (مهرداد عالیخانی – مسئول اداره چپ نو) گفتند همه شان حدود پنجاه نفر ولی افراد اصلی ایشان پانزده نفر هستند که مرتب جلسه می گذارند. آقای درّی گفتند همه آنها را جمع کنید یک جا و آنها را بزنی با یک رگبار، یک بمب زیرشان بگذارید، تو سرشان بزنی، یک نارنجک داخلشان بیندازید ولی مطمئن شوید همه آنها کشته شده اند...."



### اشارات متهمین به عادی بودن ودانمی بودن قتل های حکومتی مخالفین:

در مورخ 79/3/7 مصطفی نوروزی معروف به محسنی در صفحه ی 1231 پرونده ی قتل های حکومتی می گوید:

"ابتدا باید عرض کنم کار حذف فیزیکی و دیگر کارهای از این قبیل، کار دستگیری و انتقال متهم، آموزش دفاعی و جسمانی و مراقبت ثابت و غیره از سال 70 در پرینت کاری که از طرف وزارت (اطلاعات) برای ما مشخص شده بود و این کارها جزء وظایف ما قسمت ما بود..... و کلاً این نوع کارها در وزارت (اطلاعات) زیاد انجام می شد چه در خارج و چه در داخل و تنها این مورد بود که باین صورت در آمد..... بعد از گرفتن برادر صفایی از پشت گردن سوژه (پروانه اسکندری) و برادر هاشم داروی بیهوشی را گرفتند جلوی دماغ و دهان وی و من هم چند ضربه با گفتن ذکر زدم....."

علی احمدی معروف به ناظری در تاریخ 79/9/15 صفحه 1299 پرونده ی قتل های حکومتی میگوید:  
".... سالها اینگونه اقدامات انجام شده و سیستم های امنیتی و اطلاعاتی اینگونه شگردها را دارند..... حقیر با هماهنگی و دستور آقای موسوی کار را انجام داده ام و این عرف و شکل قانونی داشته است و در وزارت (اطلاعات) عرف بوده است و هیچ مانعی در عمل ایجاد نمی کرد....."

اصغر اسکندری معروف به سیاحی در تاریخ 79/4/15 صفحه 1305 پرونده قتل های حکومتی اعلام نموده است:

".... نکته دیگر آنکه این نمونه اقدامات روال کار تشکیلات وزارت (اطلاعات) بوده و در نتیجه اقدامات مذکور، بار اول اینجانب نیز نبوده است ما از چندین سال قبل از حذف های موسوم به قتل های زنجیره ای با آن مأنوس بوده ایم تا حدی که در پیش بینی برنامه ای سالانه شاخصترین فعالیت ها، حذف و ربایش در نظر گرفته میشد و این امر هنوز به صورت مکتوب در اسناد تشکیلات باقی است..."

رسول کاتوزیان معروف به رسولی در صفحه ی 1243 پرونده قتل های حکومتی در تاریخ 1379/02/06 اظهار می دارد:

"... با توجه به سابقه این گونه کارها در وزارت میبیینیم که هیچگاه در طول عمر وزارت (اطلاعات) که هر سال در پیش بینی سالانه برنامه کاری موضوعات که به تأیید وزیر وقت می رسید هر کدام یک یا چند

حذف فیزیکی را در برنامه پیش بینی نموده و به کابینه وزیر می رسیده و در طول سال حذف ها انجام می‌گرفته که اکثرأ مورد تشویق و تمجید قرار می گرفتند."

مرتضی خازنی (معروف به حقانی) در تاریخ 79/4/20 در صفحه ی 1263 پرونده قتل های حکومتی می گوید:

"..... امور حذفی نیز حسب سابقه تاریخی در (اداره ی) امنیت با آقای موسوی (مصطفی کاظمی) بود که اتفاقاً برای دو مورد مختاری و پوینده – موسوی طی مذاکرات دو یا سه دقیقه ای مطرح نمود که کار شروع شده و هیچ مشکلی نیست...-----صفحه 1264 پرونده ی قتل های حکومتی"....طبق روال و دستوری که از قبل وجود داشته و مأموریتی که آقای ناظری (علی احمدی) داشته و در راستای کار اداری حذف نامبردگان صورت گرفته."

سابقه کاری در قتل ها، مفهوم کارشناس عملیات ، نام مستعار در پرونده های قضایی، فرار از کشور

علی صفایی در بازجویی مورخ 1379/3/4 در صفحه ی 1282 پرونده ی قتل های حکومتی می گوید.

".... لازم به توضیح این که اینجانب در ابتدا حدوداً چند ماه در حفاظت فیزیکی بودم و بعد به پشتیبانی معاونت امنیت رفتم که حدوداً سال 65 یا 66 بود که از آنجا به عملیات وزارت (اطلاعات) آمدم که بعنوان نفر تیم مشغول به کار شدم که کار (در) عملیات دستگیری و ربایش و حذف فیزیکی تیمهای منافقین و خانه تیمهای منافق و ضد انقلاب و مخالف نظام کارشناس عملیات شدم".... ادامه می دهد:

".... تاریخ 77/10/13 آقای نیازی (حجت الاسلام محمد نیازی رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح

مسوول پرونده قتل های حکومتی) با اسم مستعار محمد حسینی فرزند جواد قرار تامین برای اینجانب با اخذ کفیل بوجه الكفاله یکصد میلیون ریال صادر و آقای سید سعید موسوی بعنوان کفیل اینجانب کفالت دادند."

(طبق دستور آقای نیازی – کلیه متهمین در آغاز کار با نام های مستعار جدید خود را معرفی کرده و نام

های موجود در پرونده های بازجویی حوالی 1377/10/13 همگی ساختگی هستند و همینطور اسامی

والدین-تاریخ تولد و سایر مشخصات)

از اعترافات مهرداد عالیخانی معروف به (صادق مهدوی) رئیس اداره چپ نو در وزارت اطلاعات در تاریخ 79/1/10 از صفحه ی 1107 به بعد پرونده قتل های حکومتی:

"... با هماهنگی قبلی قرار شد از یکی از محیط های اداری بهشت زهرا که در اختیار حراست قرار دارد (چون ناظری مسئولیت حراست بهشت زهرا بود) استفاده شود. روشن، ناظری و سایر دست اندر کاران طرح الغدير (اعدام منافقین) قبل از شروع عملیات پاییز 77، از این محل مستمراً استفاده می کردند. قرار شد از این محل برای به قتل رساندن مختاری استفاده شود...."

از نامه حجت الاسلام محمد نیازی (ریاست دادگاههای نظامی در سال 1377) به ریاست سازمان قضائی نیروهای مسلح (حجت الاسلام علی یونسی)، در تاریخ 77/11/5

"دادسرا تحقیقات جامع و وسیعی را پیرامون کشف قضیه و شناسائی عوامل قتل ها آغاز نمود و ... تحقیقات نشان می دهد که علاوه بر پرسنل واجا (وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی) عواملی دارای مشاغل آزاد (نیز) دخالت دارند (که) شناسائی، تحت تعقیب و بعضاً از کشور خارج شده اند."

اشاره به قتل حکومتی مجید شریف



در تاریخ 79/1/12 صفحه ی 1235 پرونده قتل های حکومتی - موسوی (مصطفی کاظمی) در بازجویی میگوید:

".... او با عزیز پور صحبت نموده بود و قرار گذاشتیم پشت استادیم شهید کشوری به عزیز پور وصل شود وقتی که مجید شریف حذف شد به آقای رسولی (رسول کاتوزیان) رفتم که بگویم گفت خودم میدانم و عزیز پور (محمد سردی) به ایشان گزارش داده بود...."

اشاره به مطرح شدن برنامه ترور خسرو سیف و آغاز قتل های کانون نویسندگان



تاریخ: 1379/04/19

آقای مصطفی کاظمی (موسوی) به بازپرسی احضار و خطاب به ایشان:

س: راجع به چگونگی حذف مقتولین..... توضیح دهید.

ج: در اواخر تابستان 1377 اینجانب در کنار زمین فوتبال نشسته بودم که آقای دری (حجت الاسلام قربانعلی دری نجف آبادی-وزیر وقت اطلاعات) قدم زنان آمدند و دستم را گرفتند و در مورد انجام عملیات ... عناصر فرهنگی صحبت نمودند و اظهار داشتند با صادق مهدوی (مهرداد عالیخانی) هم صحبت کنم حدود 20 مهر ماه با صادق صحبت کردم و سپس تقاضای وقت کردم در روز 1377/08/19 ایشان گفتند صادق هم باید باشد و خبرنگاران می کنم. (ساعت) 8:21 عصر تماس گرفتند و ساعت 9:30 تاریخ 8/22 را قرار گذاشتند و از شرایط و وضعیت گروه ها و افراد اظهار نارضایتی نمودند و در جلسه فوق در



خصوص حذف افراد تصمیم گیری شد که ایشان علاوه بر نفراتی که با اسم مشخص شدند و در خصوص افراد لائیک گفتند حذف نمائید. در تاریخ 1377/09/09 بر اساس اینکه من به صادق گفتم خسرو سیف به جای فروهر آمده نظر داد که او هم حذف شود که گفتم با آقای درّی صحبت نمایم و همان روز به ساختمان امام رفتند و ساعت 6 بعداز ظهر درّی مجوز و حکم جهت خسرو سیف ندادند ولی در رابطه با حذف عناصر از کانون (نویسندگان) تاکید نمودند و در آن جلسه ابتدا اینجانب گزارش حذف فروهر و همسرش را به ایشان دادم و بر اساس نظر و تاکید درّی به صادق گفتم درّی روی کانونی ها تاکید داشتند که صادق نیز دو نفر از آنها را از بین 15 نفر تائید شده از سوی درّی در جریان حذف قرار دادند و (از منبع دیگر در تاریخ 1377/09/27) آقای درّی از طریق کشیک وزارت (اطلاعات) شهشهرانی و پاکدامن مرا خواستند و ضمن تماس با صادق نزد درّی رفتیم تا بعد از ماه رمضان با نظر درّی عملیات قطع گردید

### بستن پرونده ها، سناریوی خروج از بحران

از اعترافات مهرداد عالیخانی (صادق مهدوی) در تاریخ 79/1/10 در ارتباط با اظهارات حجت الاسلام درّی نجف آبادی، وزیر وقت اطلاعات در تاریخ 1377/9/30 در مورد جمع و جور نمودن تبعات عمومی و جناحی قتل های حکومتی و پیدا کردن سناریوی خروج از بحران و قربانی کردن عده ای دیگر:



"وزیر گفت آقا (سید علی خامنه ای، رهبر منتخب خبرگان) با آقای خاتمی (رییس جمهور وقت) صحبت کرده اند. زودتر یکی دو نفر را معرفی کنید تا بر اساس آن صحبتی که بین آقا و آقای خاتمی بوده مسئله جمع و جور شود. آقا از آقای خاتمی خواسته سررشته موضوع را هم بیاورند ...."

پایان بخش یکم